



شش کلاه تفکر بوم

پروانه نیرومند



موزگار پایه پنجم، مدرسه شهید محمودی تبریز

مقدمه

پس از تأکید دوباره اداره آموزش و پرورش برای اجرای برنامه ویژه مدرسه در سال تحصیلی (۱۳۹۹-۱۳۹۸) و با خواندن بخشنامه و شنیدن سخنان مدیر در جلسه شورای معلمانی که به این منظور تشکیل شده بود، احساس خوبی به من دست داد. این همان برنامه‌ای بود که دنبال آن بودم. وقتی برای آنکه بتوانم با دانش‌آموزانم فزاتر از کتاب‌های درس صحبت کنم، یاد بدهم و حتی از آن‌ها بشنوم و یاد بگیرم. ۶۰ ساعت زمان! مطمئن بودم زمانی طلایی برای من و دانش‌آموزانم خواهد بود. البته معمولاً این گونه طرح‌ها و برنامه‌ها بدون همکاری و مساعدت اولیا به درستی محقق نمی‌شوند و عقیم خواهند ماند. همچنین، دانش‌آموزان که رکن اصلی این آموزش هستند، باید به آن راغب باشند. در این راستا، هر چه سریع‌تر جلسه انجمن اولیا و مربیان برگزار شد. قرار بر این شد که انجمن، مدیر و

معلمان هر کلاس، همگی اولیا و دانش‌آموزان را توجیه و از روند اجرای آن آگاه کنند. در جلسه شورای مدرسه نیز دستورالعمل شیوه آگاه‌سازی آن تهیه شد. سپس به منظور آموزش مهارت و پاسخگویی به نیاز دانش‌آموزان، و همچنین تنوع بخشی به محیط آموزشی، فرم نیازسنجی تهیه شد.

در مرحله اول نیازسنجی، از تمامی اولیا و دانش‌آموزان شرکت‌کننده خواسته شد با توجه به ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین، تمامی نظرات و ایده‌های خود را در خصوص حوزه‌هایی که برای آموزش مفید می‌دانستند، به صورت کتبی درج کنند. در مرحله بعد، با توجه به ایده‌های ارائه شده، موضوعات در فرم دوم نوشته شدند. دوباره از آن‌ها تقاضا شد پنج اولویت خود را مشخص کنند. با توجه به برگه‌های نیازسنجی (روش دلفی^۱)، مهارت‌های مشخص شده دسته‌بندی شدند. بیشترین امتیاز شامل مهارت‌هایی بود که در حیطه

حقوق شهروندی می‌گنجید. مهارت‌ها دوباره به تصویب شورای مدرسه رسیدند. بعد از تهیه تقویم سالانه برنامه و تهیه فرم واحد یادگیری، اجرای عملی برنامه ویژه مدرسه شروع شد.

کلاه‌ها در کلاس

هر شش گروه آماده بودند. ابتدا نماینده گروه کلاه سفید شروع کرد:

● مردم زیادی به دلیل رعایت نکردن قوانین راهنمایی و رانندگی دچار حادثه می‌شوند. آماري که هر ساله اداره پلیس در این مورد ارائه می‌دهد، حرف‌های مرا تأیید می‌کند (کنکاش واقعیت بدون قضاوت).



نماینده گروه قرمز با عصبانیت و تندى فریاد زد:

● مردمی که قوانین را رعایت نمی‌کنند، فرهنگ خوبی ندارند. آن‌ها هیچ موقع حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند. ما باید با آن‌ها به تندى برخورد کنیم (خشم، شور و هیجان).



نماینده گروه کلاه سیاه با ناراحتی بسیار بحث را چنین ادامه داد:

● جامعه ما دیگر به بی‌قانونی عادت کرده‌است و هیچ‌گاه درست نخواهد شد. برای رهایی از این مردم باید محل زندگی خود را عوض کنیم (منفی‌نگری و افسردگی).



نماینده گروه زرد با کمی امیدواری به میان صحبت آنان آمد و گفت:

● اگر قوانین به مردم آموزش داده شود، آن‌ها را یاد می‌گیرند و اجرامی‌کنند (تفکر سازنده مثبت). ناگهان نماینده گروه سبز به دوستانش گفت:

- صبر کنید! من به این نتیجه رسیده‌ام که چون هر چه در کودکی یاد می‌گیریم در ذهنمان می‌ماند، بهتر است قوانین را از کودکی به ما یاد بدهند تا همیشه آن‌ها را به یاد داشته باشیم. فکر کنم مدرسه بهترین زمان است (تفکر خلاق).



- آفرین دوستان!

این حرفی بود که کلاه‌آبی زد و ادامه داد:
● اگر کتاب قوانین با زبان کودکان تهیه شود و آموزش آن از مهدکودک شروع شود و در تمام دوران مدرسه ادامه یابد، فکر می‌کنم فرهنگ رعایت قوانین به وجود می‌آید (سازمان دهنده اندیشه‌ها).



باز خورد بچه‌ها

در این حین یکی از دانش‌آموزان گفت:

● خانم، این روش خیلی جالب بود. یاد گرفتیم به درستی با هم تبادل نظر کنیم و به نتیجه برسیم.

دانش‌آموز دیگری ادامه داد:

● با این روش موضوعات دیگری را هم می‌توانیم بررسی کنیم. گفتیم: یک موضوع را مثال بزنید.

● خانم، مثلاً مدیریت پول توجیبی‌مان! آیا همه را خرج کنیم یا پس‌انداز هم لازم است؟

● چطوری؟ می‌توانی توضیح بدهی؟

● اگر اجازه بدهید، کمی با هم تمرین کنیم و هماهنگ شویم.

● بسیار هم عالی است!

به این ترتیب، موضوع دوم هم مشخص شد.

من به بهترین نتیجه ممکن رسیده بودم!

نتیجه‌گیری

امروزه رانندگی بخشی از زندگی اجتماعی شده است. همان‌گونه که هر اجتماعی به نظم و انضباط نیاز دارد تا بتواند سرپا بماند، در فرهنگ و رفتار رانندگی نیز نبود انضباط و بی‌توجهی به نظم و حق و حقوق دیگران، به غیر از هرج و مرج حاصلی نخواهد داشت. تلاش کنیم با آموزش صحیح، در موضوع ترافیک فرزندانمان را به آگاهی و مهارت برسانیم. اگر در نتیجه این آموزش‌ها، حتی یک مصدوم سوانح رانندگی کمتر شود، کار بزرگی انجام شده است.

ادامه دارد
برای هر سبک
فکری نیز یک
کلاه با رنگی
مخصوص در نظر
گرفته شده است.
درواقع، رنگ
کلاه‌ها نمایانگر
طرز تفکر و
نگرش افراد است

* پی‌نوشت‌ها

۱. تکنیک دلفی با استفاده از مجموعه‌ای سؤال اجرا می‌شود که به صورت تدریجی و مرحله به مرحله به افراد ارائه می‌شوند. نظرات، قضاوت‌ها و نگرش‌های افراد در مورد نیازها، اهداف و مقاصد سازمان یا مشاغل خاص و موجود بررسی می‌شود تا به نقطه توافق معینی دست یافته شود.
۲. ابداع‌کننده این فن ادوارد دوبونو - Edward Charles Francis Publius de Bono (پدر تفکر خلاق) است.

* منابع

۱. اسمعیلی، مریم؛ جهانیان، رمضان؛ تقی‌پور، محمد (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت فعالیت‌های فوق برنامه پرورشی مدرسه‌های دخترانه استان البرز. اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت و حسابداری).
۲. جعفری، سلمان؛ کاشف، مجید؛ آزمون، جواد (۱۳۹۶). مقایسه اثر شیوه‌های اجرای فعالیت بدنی خارج از کلاس نسبت به برخی عوامل آمادگی جسمانی دانش‌آموزان پسر. دو فصلنامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. شماره چهاردهم. سال هفتم (پیاپی چهاردهم).
۳. حلاجی، محسن؛ امیری، محمدعلی (۱۳۹۷). فعالیت‌های مکمل برنامه تربیت بدنی. رشد آموزش تربیت بدنی.
۴. دوبونو، ادوارد (۱۳۹۴). ترجمه آذین ایزدی‌فر. شش کلاه تفکر: نگاهی تازه به مدیریت اندیشه. انتشارات پیک بهار. چاپ دوازدهم.
۵. سلجوقی، محمد (۱۳۹۷). فعالیت‌های تربیت اجتماعی و فوق برنامه. انتشارات خدمات فرهنگی کرمان. چاپ دوم.